

نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند

و پیامدها (راهبرد نظریه پردازی داده‌بنیاد) [♦]

کریم مه‌ری^۱

چکیده

هدف: این مقاله به منظور پر کردن خلأ علمی در کشور و با الگو قرار دادن سخنان مقام معظم رهبری، به بررسی اندیشه‌های ایشان در زمینه جامعه اسلامی پرداخته است. **روش:** پژوهش حاضر بر اساس روش‌شناسی کیفی بوده و از نظریه پردازی داده‌بنیاد ثانویه برای انجام عملیات تحقیق استفاده شده است. مهم‌ترین پرسشهای تحقیق حاضر عبارتند از: چه مدل نظری جامعه اسلامی را از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین می‌کند؟ چه تغییراتی در ایران باید رخ دهد تا جامعه اسلامی شود؟ راهبردهای کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ در این پژوهش به جای آزمون نظریه و تأیید یا رد آن، به ارائه نظریه به صورت محدود به واقعیت پرداخته می‌شود تا بر اساس آن، مدل نظری (تحلیلی) در خصوص جامعه اسلامی به شیوه نظریه پردازی داده‌بنیاد ارائه شود. **یافته‌ها:** متعین‌های شناختی - معرفتی، اعتقادی، مجاهدت و تلاش جمعی به عنوان شرایط علی درونی؛ استکبارستیزی به عنوان شرایط علی بیرونی؛ عوامل مدیریتی و رفتار خواص به عنوان شرایط مداخله‌گر؛ احیای قدرت دین و توجه به معنویت، نقش پیدا کردن مردم و راهبرد استکبارستیزی به عنوان راهبردهای جامعه اسلامی و مقوله هسته‌ای این بررسی، جامعه اسلامی است که مقولات عمده فوق را در بر می‌گیرد. **نتیجه‌گیری:** الگوی بومی مدل نظری ارائه‌شده برگرفته از رهنمودهای مقام معظم رهبری، به خوبی علت شکل‌گیری جامعه اسلامی را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: جامعه اسلامی، مقام معظم رهبری، نظریه پردازی داده‌بنیاد، استکبارستیزی، تفسیری.

♦ دریافت مقاله: ۹۴/۰۸/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۵/۰۴/۰۲.

۱. دکترای جامعه‌شناسی مسائل ایران، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی/نشانی: تهران، سیدخندان، خیابان گل نی،

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی / نمابر: ۸۸۳۲۱۳۱۴ / Email: kmehrik@yahoo.com

الف) مقدمه

اغلب تعاریفی که جامعه‌شناسان از جامعه ایرانی به دست داده‌اند، به هم شباهت دارند و نکات مشترکی در آنها دیده می‌شود. برای مثال، نظریه جامعه کلنگی ایرانیان که کاتوزیان در مقاله‌ای با عنوان «جامعه کوتاه‌مدت: بررسی مشکلات توسعه سیاسی و اقتصادی بلندمدت ایران» به نگارش درآورده است، با دیگر نظریات درباره ایران شباهت گسترده‌ای دارد. عمده این نظریات که درباره ایران ارائه شده، جامعه ایران را به لحاظ فرهنگی و ویژگی‌های شخصیتی، جامعه‌ای ناسازگار، عقب‌مانده، فریبکار و ... می‌دانند و ریشه توسعه‌نیافتگی جامعه ایران را در ضعف‌های شخصیتی ایرانیان جستجو می‌کنند. دکتر سید جواد طباطبایی در نقد کاتوزیان بیان کرده است: «منظور کاتوزیان، دولت کوتاه‌مدت است، وگرنه اگر جامعه ایران کوتاه‌مدت می‌بود، این کشور چند هزاره پایدار نمی‌ماند. به نظر من، اشکال او در این است که با خلط میان دولت و جامعه، پرسش بدی مطرح کرده و پاسخ نادرستی به آن داده است. او می‌بایست این پرسش را مطرح می‌کرد: چگونه ایران، به‌رغم دولتهای کوتاه‌مدت، در دوره‌هایی توانسته است پیوسته جامعه‌ای بلندمدت ایجاد کند.» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۸)

کاتوزیان در نوشته‌های متعدد این ایده را مطرح می‌سازد که «استبدادی بودن، کوتاه‌مدت بودن و هرج و مرج طلب بودن»، ویژگی‌های اصلی جامعه و روان‌شناسی اجتماعی مردم ایران است. منظور کاتوزیان از ویژگی‌های مذکور، صرفاً نظام سیاسی ایران یا حتی جامعه امروز ما نیست. او معتقد است جامعه ایران به طور کلی و همواره این خصصتها را از خود بروز می‌دهد و حکومت نیز برخاسته از آن است. به اعتقاد کاتوزیان، علت‌العلل این روحیه و فرهنگ ایرانی نیز غلبه احساس ترس و ناامنی در جامعه است. می‌توان ایده جامعه کوتاه‌مدت کاتوزیان را در زمینه ایران معاصر و با توجه به انقلابات متعددی که در یک قرن گذشته داشته‌ایم نیز تعمیم داد.

برخی نظیر داریوش شایگان ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی ایرانیان را هویتی چهل تکه قلمداد کرده‌اند که به دلیل متصل شدن به برخی صفات اخلاقی زشت مانع پیشرفت جامعه می‌گردد. و این برداشت را عیناً از داده‌های جامعه غربی اتخاذ نموده‌اند و به شکل بی‌پروا و بدون سند به جامعه ایران تعمیم داده‌اند در حالی که "انواع «چهل تکه» بودن و انواع تکثر قومی و زبانی در جاهایی مدنظر قرار گرفته شده است که ما شرایط تاریخی آنها را نمی‌دانیم و ندانسته از آنها تقلید می‌کنیم. از بین رفتن کثرت‌ها در اروپا تاریخی دارد که ما آن را نمی‌دانیم." (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۸)

نگارنده بر آن است که علت توسعه‌نیافتگی ما به گفته اندر گوندلر فرانک، توسعه‌یافتگی کشورهای غربی است. غربی‌ها حتی برای انتقال فناوری، سازمانهایی بنا نهاده‌اند که از انتقال هرگونه فناوری به ایران خودداری کنند. نگارنده ریشه توسعه‌نیافتگی را نه تنها در ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی جامعه نمی‌داند،

نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها ۴۳۵

بلکه ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی جامعه ایران امروز را به شدت توسعه‌گرا می‌داند. اما موانع متعدد بیرونی و داخلی باعث توسعه‌نیافتگی ایرانیان شده است که در این مقاله به دنبال آن نیستیم. نظریه‌هایی که درباره ایران ارائه شده، توانسته‌اند جامعه آرمانی موردنظر خود را ترسیم کنند. نگارنده معتقد است راه‌حل توسعه‌یافتگی ایران امروز در شکل‌گیری جامعه اسلامی نهفته است. لذا در پی تدوین نظریه‌ای در خصوص جامعه اسلامی است. اما سؤالی که طرح می‌شود آن است که جامعه اسلامی چیست؟ مختصات آن کدام است؟ نگارنده این سطور، ویژگی‌های جامعه اسلامی را در بیانات مقام معظم رهبری جستجو می‌کند؛ زیرا مقام معظم رهبری به عنوان یکی از کنشگران اصلی انقلاب اسلامی و نیز رئیس دولت در جمهوری اسلامی بوده و در این زمینه تجربه گرانقدری دارد. لذا بیانات معظم‌له می‌تواند منشأ تدوین نظریه‌ای برخاسته از تجربه شود. مهم‌تر آنکه رهبری انقلاب به عنوان مرجع عالی‌قدر دینی، پایه‌گذار مبحث فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی را چهارمین مرحله فرایند تکامل انقلاب اسلامی دانسته، آن را چنین تشریح فرموده‌اند:

«تشکیل جامعه (کشور) اسلامی در مرحله چهارم قرار دارد که از نظر ترتیب و اولویت بعد از تشکیل دولت اسلامی خواهد بود، هر چند به موازات تشکیل دولت اسلامی، جامعه اسلامی در حال تشکیل هست، اما اگر دولت اسلامی شود و کارگزاران نظام از نظر رفتار، عملکرد و اخلاق در طراز اسلام قرار گیرند، مردم نیز اسلامی خواهند شد.»

«جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر منطبق کند. اگر به‌طور صد درصد مثل رفتار آن حضرت عملی نیست که نیست، لااقل شباهت به آن بزرگوار باشد؛ عکس جریان زندگی نبی اکرم بر زندگی ما حاکم نباشد؛ در آن خط حرکت بکنیم.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۰/۰۷/۰۵)

تعدادی از نویسندگان و محققان در مراکز مختلف مربوط به مطالعه اندیشه‌ای مقام معظم رهبری به این مسائل پرداخته‌اند؛ اما مطالعه آنها عمدتاً سطحی و محدود به دسته‌بندی بیانات مقام معظم رهبری بوده و هیچ‌کدام در قامت یک مدل نظری-تحلیلی ظهور نیافته است. به‌خصوص هیچ‌کدام به ارائه مدل نظری (تحلیلی) بر اساس روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نپرداخته‌اند. در این مقاله منظور از مدل نظری (تحلیلی) مجموعه مقوله‌های پرورده است که به صورت منظم با جمله‌های بیان‌کننده ارتباط، به یکدیگر متصل شده‌اند تا چارچوب مدلی را شکل دهند که پدیده فرایندی جامعه اسلامی را توضیح دهد. جملات بیان‌کننده ارتباط به ما توضیح می‌دهند جامعه اسلامی به دست چه کس و چه چیز و در چه وقت، در کجا، چرا، چگونه و با چه پیامدهایی رخ داده است.

لذا مسئله اساسی این مطالعه ارائه مدل نظری (تحلیلی)^۱ در خصوص جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری است. در همین راستا با استفاده از رویکرد برساختی و تفسیری و روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد به بررسی نظریه جامعه اسلامی پرداخته خواهد شد. مهم‌ترین پرسشهای تحقیق حاضر این خواهد بود که: چه مدل نظری جامعه اسلامی را تبیین می‌کند؟ به بیان دیگر؛ این مقاله مشخص خواهد کرد که جامعه اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، در چه زمینه‌ای؛ توسط چه کسانی؛ چه زمانی؛ با چه شدتی و به چه دلیلی به وقوع می‌پیوندد. راهبردهای کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ محقق در این مقاله سعی کرده است از این رهگذر به نتایج و پیشنهادهایی دست یابد که مدل نظری جامعه اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری را به عنوان یک مورد پژوهشی در محافل و مجامع علمی مطرح سازد و دستاوردهای این رساله در سطحی باشد که در محافل یادشده، در جهت آموزش نظریه جامعه اسلامی در مجامع آکادمیک به حساب آید.

ب) هدف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، «درک معنای جامعه اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» است.

اهداف خاص تر این تحقیق را می‌توان به شرح ذیل مقوله‌بندی کرد:

- چه جنبه از زندگی مردم ایران باید تغییر کند تا جامعه اسلامی شکل گیرد؟
- مجاری و منابع این تغییرات از نظر مقام معظم رهبری کدامند؟
- پیامدهای این تغییرات از دیدگاه رهبر معظم چیست؟
- ارائه یک مدل پارادایمیک شامل پنج بُعد شرایط، زمینه، عوامل مداخله‌گر، تعامل و پیامد بر اساس نظریه داده‌بنیاد.

ج) چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی، بر خلاف پژوهشهای کمی که مبتنی بر چارچوبی نظری برای نظریه‌آزمایی‌اند، از چارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چارچوب مفهومی، مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (محمدپور، ۱۳۸۵: ۱۲۳). در رویکرد نسل دومی محققان نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بر استفاده از نظریه در

1. Theoretical (Analytical) Model

نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها ۴۳۷

تحقیق تأکید شده است. در تعریف حساسیت نظری بیان می‌داند که سطح حساسیت نظری یک پژوهشگر، بازتابی از سابقه ذهنی و فکری اوست؛ یعنی از نوع نظریه‌ای که مطالعه و درک کرده، می‌تواند در انجام پژوهش خود بهره گیرد (ملانی و ملیز، ۱۳۹۳: ۲۳). لذا در این بخش سعی می‌شود توضیح مختصری از نظریه‌های مرتبط ارائه شود. در خصوص جامعه ایران نظریه‌های متعددی وجود دارد که سعی کرده‌اند جامعه ایران را تبیین کنند.

معمولاً از دو مکتب نظم و تضاد در تحلیلهای جامعه‌شناسی استفاده می‌شود. در جامعه‌شناسی، نظم و ثبات جامعه، ترکیب متعادل عناصر هماهنگی است که هرگونه ناهماهنگی بین اجزایش منجر به پیدایش بی‌نظمی و مسائل اجتماعی می‌شود. در این حوزه از جامعه‌شناسی بیشتر روی وفاق ارزشی، هنجاری و سایر عوامل فرهنگی - اجتماعی یا نرم‌افزاری تأکید می‌شود که از طریق به هم وصل کردن اجزا و عناصر جامعه، نظم و تعادل را برقرار می‌سازد؛ بنابراین، نبود ارزشهای دینی در جامعه این نظم و تعادل را بر هم می‌زند. در جامعه‌شناسی تضاد و تحول، جامعه برآیند تضاد نیروهای موگلد یا روابط تولیدی و زیربنا یا روبنایی است. در این حوزه از جامعه‌شناسی، روی آن دسته از عوامل اقتصادی و سخت‌افزاری چون نیروهای موگلد تأکید می‌شود که زمینه و شرایط مادی لازم را برای ارزشهای دینی در جامعه و هر آنچه در این دیدگاه روبنا تلقی می‌شود، فراهم می‌سازد. اما در این بخش با توجه به اینکه نظریه‌های جامعه‌شناسی کمتر به جامعه آرمانی پرداخته‌اند، کوشش خواهد شد تا به نظریه‌های جامعه آرمانی در بین متفکران مسلمان پرداخته شود.

۱. نظریه‌های جامعه آرمانی

پژوهش قابل‌اعتنایی در خصوص جامعه آرمانی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری انجام نگرفته است؛ البته برای مثال افرادی نظیر محسن مهاجرنیا در ماهنامه آموزشی - اطلاع‌رسانی معارف (شماره ۶۳) به برخی از ویژگی‌های جامعه آرمانی از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته‌اند، اما این بررسی‌ها ماهیت علمی ندارد. لذا از مطالعات انجام‌شده در این زمینه صرف‌نظر می‌شود و به آثار یکی از متفکران مسلمان پرداخته می‌شود. اندیشمندان بسیاری در جهان اسلام، از جمله فارابی در کتاب «آراء أهل المدینه الفاضله»، ابوالحسن عامری در کتاب «السعاده و الاسعاد» و نظامی گنجیه‌ای در کتاب «اسکندرنامه»، به تصویر جامعه‌های آرمانی خود پرداخته‌اند. در دنیای مسیحیت نیز انبوهی از نویسندگان به این کار اقدام کرده‌اند؛ از جمله: اگوستین قدیس در «شهر خدا»، توماس مور در «لامکان» (یا ناکجاآباد).

درباره مفهوم اصطلاحی «مدینه فاضله» تعاریف زیادی از دانشمندان و فیلسوفان رسیده است. فارابی در این باره می‌گوید: «مدینه فاضله، مدینه‌ای است که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول به سعادت آدمی است» (داوری، ۱۳۴۴: ۱۱۸). خواجه نصیرالدین طوسی نیز می‌گوید: «مدینه فاضله، مدینه‌ای است که ساکنان آن کوشش کنند سعادت حقیقی را به دست آورند. اداره چنین مدینه‌ای

۴۳۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۸

به دست حکیمان و فاضلان باشد» (طوسی، ۱۳۶۴: ۲۴۲). ملاصدرا می‌گوید: «مدینه فاضله، مدینه‌ای است که شهرهای آن برای نیل به نهایت حقیقی و خیر حقیقی با هم همکاری دارند» (ملاصدرا، ۱۳۶۵: ۴۹۰). با توجه به بسیاری تعدد نظریه‌پردازان این عرصه، در این مقاله تنها به مختصری از اندیشه فارابی پرداخته می‌شود.

فارابی جامعه را نظامی می‌داند تام و تمام که اجزای آن با یکدیگر روابطی پایدار دارند و این نظام اجتماعی از وحدت و تجانس نیز بهره‌مند است. او پیدایی جامعه را نتیجه نیاز طبیعی انسان می‌داند و معتقد است که انسان برای رسیدن به مرتبه کمال نیازمند یاریگری و تعاون است. از نظر فارابی آنچه انسان را به تکاپو می‌افکند و به زندگی گروهی می‌کشاند، نیازهای طبیعی اوست. انسانها بدون یاری دیگران نمی‌توانند نیازهای خود را ارضا کنند و این امر جز از طریق یاریگری نسبت به هم امکان‌پذیر نیست. بنابر این، انسان برای بقای خود به چیزهایی بسیاری نیاز دارد که به تنهایی از عهده انجام آنها بر نمی‌آید، بلکه نیازمند به گروهی است که هر یک نیازی از نیازهای او را برآورند. از این رو، آدمی به کمال فطری نخواهد رسید مگر به مدد اجتماعی که در امور، یاریگر و مددکار هم باشند و در رفع نیازهای یکدیگر بکوشند تا هم جامعه برپا باشد و هم به کمال برسند. از اینجا بود که افراد انسانی فزونی یافتند و درجایی آباد از زمین زندگی کردند و از تجمع آنها جوامع انسانی پدید آمد. از نظر فارابی، جامعه دارای ساختی طبیعی است و اختلاف طبقاتی از ذات یا فطرت افراد مایه می‌گیرد. در واقع؛ سازگاری وقتی تحقق می‌یابد که افراد از نظر مراتب اجتماعی تفاوتی داشته باشند و برخی دیگر را مسخر اراده خویش گردانند.

۲. ملاک شکل‌گیری اجتماعات

فارابی اجتماعات را بر حسب نوع ترکیب و پیچیدگی و میزان گستردگی و تنوع روابط درونی، به دو نوع اجتماعات کامل و غیر کامل تقسیم می‌کند.

یک) اجتماعات کامل: اجتماعاتی که مردم آن قادر به رفع نیازهای خود می‌باشند؛ مثل اجتماعی از ملتها و امتهای بسیار که به یکدیگر کمک و یاری رسانند و در قسمت آباد زمین سکونت کنند و به آن اجتماع عظمی می‌گویند یا اجتماعی که از جمع آمدن یک ملت در جزیی از قسمت آباد زمین به وجود آمده باشد که به آن اجتماع وسطی می‌گویند و اجتماع صغری، اجتماعی است که در یک شهر و در جزیی از محل سکونت یک امت زندگی می‌کنند.

دو) اجتماعات غیر کامل: اینگونه اجتماعات به تنهایی قادر به برآوردن نیازمندی‌های خود نیستند؛ مثل اجتماع ده، محله، کوی و منزل.

۳. انواع جوامع انسانی

یک) جامعه سالم یا فاضله: فارابی آن را به بدنی تندرست و تام‌الاعضا مانند می‌کند که هر یک از اندامها عهده‌دار وظیفه خاصی است. این اندامها از لحاظ مراتب، متفاوتند و همچنان که قلب در بدن بر سایر

نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها ۴۳۹

اندامها برتری دارد، در جامعه فاضله نیز یک عضو که فرمانده همه و رئیس اول است و جامعه سالم از روی فطرت و اراده و اختیار به منظور رفع نیازهای فردی و جمعی شکل می‌گیرد به بیان دیگر؛ انسان فطرتاً اجتماعی و نیازمند زندگی با دیگران است و به کمال رسیدن او بدون دیگران میسر نیست. این جامعه بر اساس تعاون و تقسیم کار و توزیع مسئولیتهای اجتماعی اعضای جامعه به منظور رفع نیازهای فردی و اجتماعی تشکیل می‌شود و وظیفه اصلی حکومت در این جامعه، تلاش همه‌جانبه برای برقراری امنیت و آرامش، استقرار گسترده آموزش و پرورش به منظور کشف استعدادها و پرورش آنها و نیز بهره‌گیری درست از استعدادهای شکوفا شده برای واگذاری مسئولیتهاست.

رهبری در جامعه سالم: هر جامعه‌ای نیاز به رهبر دارد. رهبر باید فیلسوف باشد، اما تنها فیلسف و دانش برای اداره جامعه کافی نیست، بلکه باید رهبر دارای قدرت فرماندهی باشد و این در طبیعت او وجود داشته باشد. *فارابی* رئیس جامعه را بر جامعه و مردم آن تقدّم می‌دهد و توانایی‌های انسانها و فطرت آنان را گوناگون و متفاوت می‌بیند و رابطه میان انسانها را رابطه‌ای سلسله‌مراتبی و اقتدارآمیز می‌بیند و در این راستا به توصیف رهبرانی می‌پردازد که حکمت و دانش، مهم‌ترین اوصاف آنان است. *فارابی* افرادی را که با ارزشها و هنجارهای جامعه هم‌نوا نباشند به علفهای هرزه‌ای که به گیاهان ضرر می‌رسانند و از رشد کافی آنان جلوگیری می‌کنند، تشبیه می‌کند و چنین افرادی را انگل و بی‌خاصیت می‌داند و از این رو، بر ریاست مدینه فاضله لازم است که همه افراد خودرو و خودسر را جستجو، حالات آنان را بررسی و هر گروه را مناسب با حال آنها اصلاح و درمان کند؛ به وسیله اخراج از جامعه، یا مجازات و کیفر، یا گماردن به کار و شغلی هرچند که کار مفید انجام ندهد یا به زندان و حبس افکند و آن گروه که اصولاً مفید نمی‌باشند یا حتی زیان آورند، با آنها همان کاری شود که با حیوانات زیان‌آور می‌شود.

دو) جامعه ناسالم: این جامعه افرادی دارد که دور از کمال و فضیلت و مردم آن از دانش و حکمت چندان بهره نبرده‌اند. در واقع؛ این جامعه، ضد جامعه آرمانی است. شش نوع جامعه ناسالم وجود دارد:

۱. **جامعه ضرریه:** مردم آن در جهت به دست آوردن ضروریات زندگی از راههای گوناگون مانند زراعت، شکار و زندگی خود را می‌گذارند.
۲. **جامعه بدآله:** مردمان این جامعه ملاک برتری را ثروت‌اندوزی می‌دانند و با هم در کسب سود و بهره رقابت می‌کنند.
۳. **جامعه خست:** جامعه‌ای که افراد آن فرومایه و در پی امور ناچیز و پست هستند و هدف آنان رسیدن به لذت مادی و شهوانی است.
۴. **جامعه کرامت:** افراد آن برای به دست آوردن افتخارات و کرامات با یکدیگر همکاری می‌کنند تا بلندآوازه شوند، چه در گفتار و چه در کردار و این جامعه، بهترین نوع از انواع جوامع ناسالم است.

۵. جامعه تغلب: مردم آن می‌خواهند بر دیگران پیروز شوند و سعادت خود را در این پیروزی می‌دانند.
۶. جامعه حریت: مردم چنین جامعه‌ای بدون قیدوبند و همه آزادند تا هر چه می‌خواهند انجام دهند.

۴. فارابی و نظریه نخبگان

در هر نوع از فعالیت انسانی، افراد جامعه نسبت به پایین‌ترها در یک سطح برتری قرار می‌گیرند. فارابی افراد جامعه را به سه گروه تقسیم می‌کند که با سه قشر موجود در جامعه از دیدگاه پاره‌تو یکسان است: ۱. رئیس اول یا شورای ریاست جامعه سالم که در برابر گروه نخبگان حاکم قرار دارند؛ ۲. خادمان جامعه که مرئوس دیگرانند و بر هیچ‌کس ریاست ندارند، که همان قشر پایین جامعه یا غیر نخبگانند؛ ۳. گروهی که بین رئیس و مرئوس صرف قرار دارند و نسبت به رئیسان جامعه، مرئوس و نسبت به خادمان جامعه و غیر نخبگان، برترند. (فارابی، ۱۳۷۱: ۲۵)

۵. روش

روش‌شناسی مورد استفاده در این مطالعه، روش‌شناسی کیفی است و از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۱ به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. روش نظریه داده‌بنیاد، شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. هدف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، تولید نظریه است و در مرحله مقدماتی ارائه مدل نه توصیف صرف پدیده.

نمونه‌گیری: در بررسی کیفی می‌توان از نمونه‌گیری نظری استفاده کرد. از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد مفاهیم، تعیین محل داده‌های مورد نیاز در متن و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود. (احمدپور، ۱۳۸۵: ۴۵)

رویه تحلیل داده‌ها (مراحل ساخت نظریه): در این مقاله، تحلیل داده‌ها با مجموعه گردآوری شده از بیانات مقام معظم رهبری که به عنوان داده‌های ثانویه قابل استفاده است شروع شده و آن را در طول مدتی که پژوهش انجام می‌شود، ادامه داده است. این کار به پژوهشگر کمک کرد تا با تمرکز و انسجام بیشتری متون مربوط به بیانات مقام معظم رهبری را تحلیل و ارتباط بهتری بین داده‌های گردآوری شده و سؤالات اصلی پژوهش برقرار کند. داده‌های ثانویه می‌توانند منبعی غنی برای مطالعات گراند تئوری باشند. (ملانی و میلز، ۱۳۹۳: ۱۴۲)

۱. Grounded Theory

هـ) تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در بیان مسئله مطرح شد، مهم‌ترین پرسشهای تحقیق حاضر عبارتند از: چه مدل نظری جامعه اسلامی را از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین می‌کند؟ چه تغییراتی در ایران باید رخ دهد تا جامعه، اسلامی شود؟ راهبردهای کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ لذا با استفاده از داده‌های ثانویه درصدد پاسخگویی برآمده‌ایم. در این فرایند، تمام بیانات رهبری از سال ۱۳۷۹ به بعد که آغاز طرح بحث مهم فرایند تحقق اهداف اسلامی از سوی مقام معظم رهبری است، تحلیل شده است.

در این بخش، ضمن شرح داده‌های جمع‌آوری شده از مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تلاش شده تا فرایند استخراج مفاهیم اصلی، کدگذاری باز، محوری و انتخابی، انجام و چارچوب نظری پدیدار شود. بررسی رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه جامعه اسلامی نشان می‌دهد که ایشان ضمن تبیین علل درونی و بیرونی شکل‌گیری جامعه اسلامی، پیامدها و بسترهای آن را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. از این رو در کدگذاری باز، با تجزیه و تحلیل مطالب جمع‌آوری شده و شناسایی مفاهیم نهفته در آنها، در گام نخست، به کشف تمایز موضوعات و جداسازی آنها و در گام بعدی به طبقه‌بندی موضوعات متشابه ذیل یک عنوان واحد پرداخته شده است که علل درونی و بیرونی شکل‌گیری جامعه اسلامی را نشان می‌دهد. مفاهیم اصلی مربوط به علل درونی و بیرونی، شامل شناختی - معرفتی، اعتقادی، مجاهدت و تلاش جمعی و استکبارستیزی است. در کدگذاری محوری، رابطه بین مفاهیم اصلی تعیین شد که در مدل پارادایمی نمایش داده شده و در کدگذاری انتخابی نیز مدل نظری پدیدار شده است. در ادامه متن، سخنان ایشان در خصوص علل درونی و بیرونی جامعه اسلامی شرح داده شده است.

نمودار ۱: مدل نهایی پارادایمی جامعه اسلامی



۱. شرایط علی جامعه اسلامی: درونی

شرایط علی باعث ایجاد و توسعه مقوله‌ای هسته‌ای یا پدیده می‌شوند. از میان مقولات تولیدشده، شناختی - معرفتی، اعتقادی، مجاهدت و تلاش جمعی و نهادینه کردن اخلاق و وظیفه اسلامی در جامعه، محوری‌ترین مفاهیم استخراج شده است. با توجه به گستردگی مقولات و ویژگی‌های آنها، تنها به بیاناتی از مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود که مقوله اصلی شناخته شده‌اند.

یک) مقوله شناختی - معرفتی

«اگر ملتی عقیده به حق را، عقیده به قرآن و معارف اسلامی را همراه کرد با محبت، رنگ و بوی لطیف گل محبت است که می‌تواند اعتقادات عمیق را در عرصه زندگی انسان بارور کند. اگر این عقاید، این پایبندی‌های عقلانی، با محبت و با عواطف عجیب و همراه شد، آن وقت عرصه، عرصه عمل قرآنی خواهد شد؛ توفیقات، روزافزون خواهد شد؛ پی‌درپی خواهد شد؛ ما دنبال این هستیم. عزت در سایه قرآن است، رفاه در سایه قرآن است، پیشرفت مادی و معنوی در سایه قرآن است، اخلاق نیک در سایه قرآن است، سلطه و غلبه بر دشمنان در سایه قرآن است. ما ملت‌های مسلمان اگر این حقایق را به درستی درک کنیم و در راه رسیدن به این هدفها تلاش کنیم، یقیناً بهره‌های زیادی خواهیم برد.» (مخمل انس با قرآن، ۱۳۹۱/۰۴/۳۱)

مقوله شناختی - معرفتی، چهار ویژگی عمده به شرح ذیل دارد:

- **عقیده به قرآن و معارف اسلامی:** «اگر این محافل قرآنی بتواند دل‌های ما را فراتر از جنبه عقلانی، از جنبه عاطفی و علقه عشق و محبت به قرآن نزدیک کند، مشکلاتی که بر سر راه جامعه اسلامی است، برطرف خواهد شد؛ این اعتقاد ماست.» (همان)

- **تأثیر عنصر صبر و صلاه:** «این جمله مبارک "استعینوا بالصبر و الصلاه" در قرآن [در سوره بقره] در دو جا تکرار شده است: یکی خطاب به اهل کتاب است که می‌فرماید: "و استعینوا بالصبر و الصلاه و آنها لکبیره اُلا علی الخاشعین"؛ یک جا هم خطاب به مؤمنین است که می‌فرماید: "یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلاه ان الله مع الصابرين". پیداست که اهمیت این دو عنصر؛ عنصر صبر و عنصر صلات مورد توجه است و تأثیر اینها در آن چیزی که تشکیل جامعه اسلامی به خاطر رسیدن به آن است؛ اهداف والای جامعه اسلامی.» (در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹)

- **ایمان و تقوای الهی:** «وحدت و تقوا و خداترسی و یاد خدا و رعایت دستور الهی در همه امور را در هر جا که هستید، حفظ کنید و الله اکبرتان را نگه دارید. دشمنی با دشمنان خدا را در دلتان حفظ کنید و انگیزه خدمت برای اسلام و مسلمین در سراسر عالم و کار و تلاش برای ساختن این کشور اسلام و ولی عصر (ارواحنا فداه) را حفظ نمایید. بدانید که با این خصوصیات، هیچ قدرتی نخواهد توانست کاری بکند.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰)

- **علماء بالله و اماناء الهی:** «رسالت علماء بالله و اماناء الهی و مبلغان دین سنگین تر است، تا خود و اهل اسلام را از آتش نیرنگ شیاطین جبار برحذر دارند و نهال معرفت دینی را در دل‌های مشتاق و بیدار صدها

۴۴۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۸

میلیون مسلمان مؤمن به بار نشانند و حبل الله المتین را در دسترس امت اسلامی قرار دهند تا با اعتصام همگانی به آن، وحدت جامعه اسلامی محقق و ارکان نظام شرک و استکبار منهدم شود». (پیام به سمنار در پاکستان، ۱۳۷۱/۰۲/۲۰)

«هرگاه ما عالم دین و تقوی و باهوش و زرنگ و دقیقی مثل میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شر دشمن محفوظ می ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آنجا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می کردیم، که آن ضرر، به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی شد؛ بلکه در برخی موارد اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه اسلامی را تحت فشار قرار می داد». (مراسم بیعت مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه علمی مشهد، ۱۳۶۸/۰۴/۲۰)

دو) مقوله مجاهدت و تلاش

«اگر ملت ایران آماده بندگی خدا نبود، نمی توانست این حرکت عظیم را انجام دهد و امروز به عنوان الگو و نمونه جامعه اسلامی در میان مسلمانان سرتاسر عالم، بلکه نمونه مجاهدت و فداکاری و بیداری و آگاهی در میان همه ملت‌های مستضعف، معرفی بشود». (خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۶۹/۰۲/۰۷)

مقوله مجاهدت و تلاش، هشت ویژگی عمده به شرح ذیل دارد:

- **آمادگی برای بندگی خدا:** «اگر امروز هم ملت ایران بخواهد این بار سنگین امانت را بر دوش خود حمل کند و به سرمقصد مطلوب برساند، جز خودسازی هیچ راهی ندارد. ما باید به خدا اتکا و اتکال کنیم و این، جز بندگی و تسلیم در مقابل خدا چیزی نیست. اتکای به خدا و اعتماد به وعده الهی، از هر کسی بر نمی آید». (خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۶۹/۰۲/۰۷)

- **اخلاص و عمل صادقانه:** «طبق نقل در نهج البلاغه، امیرالمؤمنین فرمود: "و لقد کنا مع رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقتل آباءنا و ابناءنا و اخواننا و اعمامنا لا یزیدنا ذلک الا ایمانا و تسلیما و مضیا علی اللقم و صبرا علی مضمض الألم؛ خالصانه و مخلصانه با کسان و نزدیکان خود می ایستادیم و برای خدا مبارزه می کردیم. "فلما رأى الله صدقنا انزل بعدوتنا الکبت و انزل علينا النصر؛" وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. بعد می فرماید: اگر این طور نبود، این کارها انجام نمی شد: "ما قام للذین عمود و لا اخضر للایمان عود؛" یک شاخه ایمان سبز نمی شد و یک پایه دین بر سرپا نمی ماند. به برکت اخلاص و صدق آن مسلمین، این پیشرفت‌ها انجام شد و جامعه اسلامی پدید آمد». (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۰/۰۱/۱۶)

- **جهاد با نفس در محدوده عظیم اجتماعی:** «در یک جامعه اسلامی و انقلابی، روح انقلاب و ایمان همیشه زنده و کارساز است. روح انقلاب و روح شور و حماسه انقلابی، در دوران جنگ موجب پیروزی در جنگ است و در دوران سازندگی موجب پیروزی در مبارزه سازندگی است. سازندگی هم یک مبارزه است». (در دیدار قشرهای مختلف مردم، ۱۳۷۱/۰۷/۲۹)

نظریهٔ جامعهٔ اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها ۴۴۵

- **کار و تلاش برای ساختن جامعهٔ اسلامی:** «جامعهٔ اسلامی، به سمت هدفی حرکت می‌کند. این هدف و این راه، مرحله مرحله است. تاکنون چندین مرحله را گذرانده‌ایم. مرحلهٔ مبارزه با عوامل داخلی استکبار، به خوبی و سلامتی گذشت؛ اما کار تمام نشد. این، یک منزل بین راه بود؛ از آن عبور کردیم. یک مرحله، بر سر جای خود نشاندن تهاجم تحریک‌شدهٔ جنگ‌افروز تحمیلی بود که هشت سال طول کشید و همهٔ دنیا هم پشت سرش ایستادند تا شاید بتوانند انقلاب را شکست بدهند. این مرحله هم با پیروزی و سربلندی گذشت. از این مرحله هم عبور کرده‌ایم، اما نباید احساس کنیم که کار تمام شد؛ کار تمام نشده است. یک مرحله، مرحلهٔ مطرح شدن در افکار عمومی عالم، به عنوان یک ملت مبارز، یک ملت صادق، یک ملت مظلوم و یک ملت دارای اهداف بلند بود؛ این مرحله هم گذشت و دنیا آشنا شد. اینها مراحل و منازل بین راه است.» (در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان سراسر کشور به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم، ۱۳۷۰/۰۲/۱۱)

- **توجه به استعداد های ملی:** «مسئولین باید به ملت و استعداد های ملت تکیه کنند. دست حاجت به طرف دشمن نباید دراز کرد. دشمن، منتظر اظهار ضعف و عجز از طرف ملت طرفدار قرآن و اسلام است. ... ما باید به خودمان متکی باشیم؛ به سرمایه‌های خودمان، به علم خودمان، به استعداد خودمان، به توانایی‌های مادی خودمان، به ذخایر زیرزمینی خودمان. نه اینکه راه دادوستد را ببندیم. اما نباید تسلیم و مقهور قدرت دشمن شویم.» (در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، ۱۳۷۱/۰۴/۱۰)

- **حفظ روحیهٔ شهادت طلبی:** «یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای الهی بر جامعهٔ اسلامی ما، وجود مردان شجاع و جوانان فداکاری است که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، در مقابل دشمنان انقلاب سینه سپر کرده‌اند و با جان و خون خود، اسلام و انقلاب و راه خدا را نصرت بخشیده‌اند. بعضی از این عزیزان، در راه خدا به شهادت رسیدند و به درجات و نعم غیر متناهی الهی بر شهیدان فائز شدند و به عنوان سند افتخاری برای ایران و اسلام و انقلاب اسلامی و مایهٔ آبرویی برای امام و رهبر راحل عظیم الشان ما، اسم آنها در تاریخ ثبت شد.» (در جمع خانواده‌های شهدا، مفقودان، آزادگان و جانبازان استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

- **توکل به خدا و روح حسینی داشتن:** «ملت عزیز ما باید روح حماسه را، روح عاشورایی را، روح نرسیدن از دشمن را، روح توکل به خدا را، روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را در خودشان تقویت کنند و از امام حسین علیه‌السلام مدد بگیرند.» (دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، ۱۳۷۱/۰۴/۱۰)

- **پیشتاز بودن جامعهٔ روحانیت:** «هنوز هم باید جامعهٔ روحانیت، بیشترین و سنگین‌ترین بارها را بر دوش خود احساس کند و پیش‌قراول و پیشتاز قشرهای گوناگون مردم باشد و همچنان که امام (ره) همواره توصیه می‌کردند، دین و اخلاق و معنویت را با عمل و زبان خود در جامعه پراکند و همهٔ دلها را متوجه معنویت و دین و اخلاق کند.» (مراسم بیعت گروه کثیری از ائمهٔ جمعه و روحانیون مازندران و اصفهان، ۱۳۶۸/۰۴/۰۴)

سه مقولهٔ نهادینه کردن اخلاق و وظیفهٔ اسلامی در جامعه

«هرچه ما ارزشها را بیشتر پیاده و اعمال کنیم، جامعهٔ اسلامی، عزیزتر خواهد شد؛ ملت اسلام قوی‌تر خواهد شد و در همهٔ مراحل حیات، پیشرفت ما بیشتر خواهد شد.» (در دیدار کارگزاران نظام در روز عید غدیر،

۱۳۷۳/۰۳/۰۸). «یک وقت کسی دستور می‌دهد یا توصیه می‌کند که مثلاً مردم حسن خلق و گذشت و صبر و استقامت در راه خدا داشته باشند و ظلم نکنند و دنبال اقامه عدل و داد باشند؛ یعنی توصیه و دستور دادن و تعلیم دادن مطرح است - که البته کار لازمی است و پیامبر اسلام هم تعلیم می‌داد؛ یعلّمهم و درس معرفت و زندگی به مردم می‌آموخت - اما یک وقت مطلب از یاد دادن بالاتر است؛ یعنی معلم کاری می‌کند و رفتاری در پیش می‌گیرد که این اخلاق و وظیفه اسلامی در جامعه به شکل رنگ ثابت درمی‌آید، با عقاید غلط مردم به مقابله برمی‌خیزد، با احساسات جاهلی و ته‌مانده‌های رسوب کرده اخلاق غیر اسلامی مبارزه می‌کند و مقابل می‌شود، به جامعه و مردم شوک وارد می‌کند و در مقاطع مناسب و با روشهای مناسب، کاری می‌کند که فضای جامعه و محیط زندگی مردم، با این صفت و اخلاق و روش خوب کاملاً ممزوج می‌شود. اگر یک جامعه بخواهد رشد کند و اخلاق صحیح اسلامی را در خود به وجود آورد، محتاج همین روش است.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸)

ویژگی‌های عمده مقوله نهادینه کردن اخلاق و وظیفه اسلامی در جامعه، عبارتند از: ۱. حفظ آثار، شعائر و نمای اسلامی، ۲. جدی گرفتن محتواهای اسلامی، ۳. تبیین واقعیت و تبلیغ، ۴. تقویت روح اعتماد مردم، ۵. برجیدن تبعیض‌ها و بهره‌مندی‌های ناحق، ۶. خوش‌بینی و امید به آینده، ۷. امر به معروف و نهی از منکر، ۷. داشتن بصیرت، ۸. تربیت انسانهای شریف. (با توجه به گسترده بودن ویژگی‌ها، تنها به دو نمونه اشاره می‌شود).

- **تقویت روح اعتماد مردم:** «همه تکلیف دارند این روح اعتماد را در دلها راسخ کنند. کسی مجاز نیست که این روح اعتماد را از مردم بگیرد و دلهای آنان را متزلزل کند. اینکه بعضی اینجا و آنجا بنشینند و بدون اینکه احساس مسئولیت بکنند، اعتماد مردم نسبت به مسئولان را متزلزل نمایند، یک عمل غلط و غیر انقلابی و غیر اسلامی انجام داده‌اند. ... اگر روح بی‌اعتمادی حاکم شد، او هم نمی‌تواند کار کند، اینها هم نمی‌توانند کمک کنند. همان‌طور که در خطبه قبل هم مطرح کردم، فضای جامعه اسلامی در عهد صدر اول، به برکت تعالیم پیامبر(ص)، یک فضای اعتماد و اطمینان متقابل بود. امروز هم همین‌گونه است؛ به خصوص کسانی که در تریبونهای گوناگون قرار می‌گیرند و سخنرانی می‌کنند و حرف می‌زنند و می‌نویسند. آنها بیش از دیگران باید سعی کنند که این روح اعتماد را در دلها قوی کنند. مبدا آن را تضعیف و متزلزل نمایند.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸)

- **امر به معروف و نهی از منکر:** «جامعه اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی با انجام این تکلیف، زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر است که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت

نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها ۴۴۷

"لَيْسَلَطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ". قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت
اخیر به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد. (همان)

۲. شرایط علی بیرونی

یک) مقوله استکبار

«امروز استکبار جهانی، نیروی علمی و خیلِ رجل خود را بسیج کرده تا بلکه بتواند با تفکر و فرهنگ و ابزار
دانش، تفکر اسلامی را متزلزل کند.» (در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶)

مقوله استکبار ۴۰ ویژگی عمده دارد که عبارتند از: ۱. اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا، ۲. دور نگه
داشتن مسلمین از قرآن (در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام،
۱۳۷۵/۰۳/۱۶)، ۳. از بین بردن یا تغییر در محتوای توصیه‌های سرنوشت‌ساز شرع مقدس، ۴. سست کردن ایمان
مردم، ۵. دنبال آرمانها نرفتن، اراده اصلاح را در دل از بین بردن و بی‌نظمی کردن، ۶. عقب نشان دادن
عناصر دین‌دار در میدانها (پیشرفتهای علمی)، ۷. عقب نگه داشتن علمی کشور، ۸. تسخیر پایگاههای فرهنگی
در کشور، ۹. ترویج جدایی اسلام از سیاست در بسیاری از جوامع اسلامی، ۱۰. تحریف حقایق جامعه
اسلامی و انحراف افکار عمومی جهان، ۱۱. دور کردن مسلمانان از احکام اسلامی، ۱۲. حذف اسلامیت از
ابعاد سیاسی، اجتماعی، عدالتخواهی، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی، ۱۳. تخطئه دوران امام، ۱۴.
انقلاب‌زدایی و شعار امام‌زدایی، ۱۵. ایجاد حس کاذب نزدیک ساختن مردم مسلمان به ارزشهای غیر
اسلامی، ۱۶. ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی با استفاده از آدمهای بی‌غرض، ۱۷. تبلیغ جدا بودن اسلام
معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی، ۱۸. ملت‌بند کردن فضای روانی جامعه، ۱۹. القای بدبینی و ناامیدی
بین مردم نسبت به آینده خود، ۲۰. القای ناتوانی مسئولان از استقلال در بازسازی، ۲۱. کم‌رنگ کردن
جلوه‌های حضور و پیوند مردم با نظام، ۲۲. القای عدم امکان مقابله با نظم ظالمانه کنونی، ۲۳. القای ناتوانی
نظام اسلامی از برآوردن نیازهای مردم، ۲۴. القای بدبینی و بی‌اعتمادی مردم ایران نسبت به مسئولان خود،
۲۵. القای رو به افزایش بودن فاصله بین مردم و مسئولان، ۲۶. گسترش بذر تردید و شک و بی‌اعتمادی و
بدبینی در جامعه از طریق تبلیغات، ۲۷. نقطه قوت را نقطه ضعف جلوه دادن، ۲۸. دلها را مضطرب و نگران
و ترسان کردن، ۲۹. طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی کردن، ۳۰. غبار پراکنی در فضای سیاسی کشور،
۳۱. بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط کردن، ۳۲. کارشکنی و تلاش برای دلسرد کردن مردم، ۳۳.
تسخیر گرفتن نقاط قوت، ۳۴. تحقیر داشته‌های خود، ۳۵. بی‌تدبیر نشان دادن مسئولان، ۳۶. بیرون کردن
جوانان از صحنه، ۳۷. ایمان جوانان را ضعیف کردن، ۳۸. ملت را نسبت به گذشته خود بی‌اعتقاد کردن، ۳۹.
تضعیف ارتباط قلبی مسئولان و مردم، ۴۰. باج‌گیری از جمهوری اسلامی. (با توجه به گسترده بودن
ویژگی‌ها تنها به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود.)

- اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا: دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فرهنگ فساد و فحشا سعی
می‌کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی، بلکه

باید گفت یک شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند». (در دیدار فرماندهان گردانها در سالروز شهادت امام سجاد(ع)، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲)

- **ترویج جدایی اسلام از سیاست در بسیاری از جوامع اسلامی:** «یک عده‌ای اسلام را فقط مسئله فردی دانستند و سیاست را از اسلام گرفتند. این چیزی است که امروز در بسیاری از جوامع اسلامی و در معارف دنیای مهاجم مستکبر مستعمر غربی، ترویج می‌شود که: اسلام از سیاست جداست! سیاست را از اسلام گرفتند». (کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم(ص)، ۱۳۸۵/۰۵/۳۱)

- **بیرون کردن جوانان از صحنه:** «امروز یکی از کارهای اساسی استکبار این است که نسل جوان را در کشورهای اسلامی و هر کشور اسلامی که بیدارتر است، بیشتر از صحنه بیرون کند». (در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سیزدهم آبان، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵)

۳. بستر

به شرایط خاصی که بر کنشها و تعاملات تأثیر می‌گذارند بستر گفته می‌شود. این بستر، ناظر بر فضای حاکم بر تعاملات بین افراد است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم و مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند که در مدل معرفی شده عبارتند از: شدت و میزان بصیرت.

«بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به یک جایی هم برسد، لیکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعبهای زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ به خصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود، یک وقت شما می‌بینید بی‌سازوبرگ در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما بر نمی‌آید. پس بصیرت، قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد». (در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴)

مقوله نهادینه کردن بصیرت در جامعه، سه ویژگی عمده دارد: ۱. انسان باید بصیرت پیدا کند، ۲. بصیرت شرط لازم است، اما شرط کافی نیست، ۳. اساسی‌ترین پایه‌های بصیرت. (همان)

- **انسان باید بصیرت پیدا کند:** «در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی به چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری می‌شود این بصیرت را پیدا کرد؟ "رحم الله امرء تفکر فاعتبر"؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند؛ یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - و اعتبار فابصر - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود. امیرالمؤمنین(علیه الصلاه والسلام) در جای دیگر می‌فرماید: "فانما البصیر من سمع فتفکر و نظر فابصر"؛ بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی

نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها ۴۴۹

شنید، بیندیشد. هر شنیده‌ای را نمی‌شود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. "البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر". نَظَرَ یعنی نگاه کند، چشم خود را نبندد». (همان)

۴. شرایط مداخله‌گر

شرایط دخیل آنهایی‌اند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند. مقوله هوس‌پرستی و هواپرستی از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر شکل‌گیری جامعه اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری است. «عمده‌ترین خطر چیست؟ من در پاسخ به این سؤال یک روایت می‌خوانم. فرمود: "انْ أَخُوفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طَوْلُ الْأَمَلِ". خطر عمده دو چیز است: اول، هوس‌پرستی و هواپرستی است. تعجب نکنید؛ از همه خطرناک‌تر، همان هوای نفسی است که در دل ماست؛ "انْ أَعْدَىٰ عَدُوَّكَ نَفْسُكَ الْتَىٰ بَيْنَ جَنبَيْكَ"؛ از همه دشمن‌ها دشمن‌تر، همان نفس، همان "من" و همان خودی است که در وجود توست؛ آن مبتنی که همه چیز را برای خود می‌خواهد. اینجا هم از زبان پیغمبر همین را می‌فرماید: "انْ أَخُوفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ؛ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طَوْلُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصِدُّ عَنِ الْحَقِّ"؛ یعنی پیروی از هوای نفس، شما را از راه خدا گمراه می‌کند. ... هوای نفس خصوصیتش این است که شما را از سبیل‌الله که جهاد در سبیل‌الله لازم است، گمراه می‌کند. "وَأَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيَنْسِي الْآخِرَةَ". طول‌امل؛ یعنی آرزوهای دور و دراز شخصی: تلاش کن، برای اینکه فلان طور خانه برای خودت درست کنی؛ تلاش کن و مقدمات را فراهم کن برای اینکه به فلان مقام برسی؛ تلاش کن زید و عمرو را ببین و هزار نوع مشکل را پشت سر بگذار تا اینکه فلان سرمایه را برای خودت فراهم آوری و فلان فعالیت اقتصادی را در مشت بگیری. این طول‌امل یعنی آرزوهایی که یکی پس از دیگری می‌آیند و تمام‌نشدنی‌اند؛ جلو چشم انسان صف می‌کشند؛ برای انسان هدف درست می‌کنند و هدفهای حقیر در نظر انسان عمده می‌شود. خاصیت این هدفها "ینسی الآخرة" است؛ آخرت را از یاد انسان می‌برند؛ انسان دائماً مشغول هدفهای حقیر می‌شود؛ برای انسان وقتی باقی نمی‌ماند؛ دل انسان را می‌میرانند؛ میل به دعا، میل به انابه، میل به تضرع و میل به توجه را برای انسان باقی نمی‌گذارند». (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

مقوله هوس‌پرستی و هواپرستی، پنج ویژگی عمده دارد: ۱. دوری از معنویت و دنیاطلبی، ۲. عوض شدن معیارهای الهی در جامعه (در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، ۱۳۷۱/۰۴/۱۰)، ۳. عدم تحقق و تجسم ارزشهای اسلامی، ۴. انحطاط و فساد اخلاق جامعه، ۵. بی‌اعتنایی و دست کم گرفتن مواهب حیات - **عدم تحقق و تجسم ارزشهای اسلامی**: «اگر ما نتوانیم قضای اسلامی به معنای واقعی را در جامعه پیاده کنیم و عدل اسلامی را در دستگاه قضاوت و حکومتان نشان دهیم و نتوانیم زمینه‌های تداول ثروت بین اغنیا را که اسلام آن را منع کرده است، با نظام اقتصادی درست در جامعه اسلامی از بین ببریم و نتوانیم اخلاق و ارزشهای اسلامی را در جامعه مجسم و محقق کنیم، در نتیجه نظامی با پرچم و اسم اسلام، اما با حقیقت و معنای غیر اسلامی - و احیاناً جاهلی - خواهیم داشت؛ که هر چیز غیر اسلامی باشد، جاهلی است؛ "فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ". اگر خدای نکرده چنین شد، ما همان مؤذن بدصدایی خواهیم بود که صدا و

۴۵۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۸

آهنگ ناخوش ما، به جای آنکه به اسلام عزت و آبرو ببخشد، آن را دچار سرشکستگی خواهد کرد». (در مراسم بیعت فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۰۴/۱۹)

- **انحطاط و فساد اخلاق جامعه:** «امام سجاد به تعلیم و تغییر اخلاق در جامعه اسلامی کمر بست. چرا؟ چون طبق تحلیل آن امام بزرگوار، بخش مهمی از مشکلات اساسی دنیای اسلام که به فاجعه کربلا انجامید، ناشی از انحطاط و فساد اخلاق مردم بود. اگر مردم از اخلاق اسلامی برخوردار بودند، یزید و ابن زیاد و عمر سعد و دیگران نمی توانستند آن فاجعه را بیافرینند. اگر مردم آن طور پست نشده بودند، آن طور به خاک نجسیده بودند، آن طور از آرمانها دور نشده بودند و ردایل بر آنها حاکم نمی بود، ممکن نبود حکومتها و لو فاسد باشند، و لو بی دین و جائر باشند، بتوانند مردم را به ایجاد چنان فاجعه عظیمی؛ یعنی کشتن پسر پیغمبر و پسر فاطمه زهرا سلام الله علیها وادار کنند. مگر این شوخی است؟! یک ملت، وقتی منشأ همه مفاسد خواهد شد که اخلاق او خراب شود. این را امام سجاد علیه الصلاة والسلام، در چهره جامعه اسلامی تفحص کرد و کمر بست به اینکه این چهره را از این زشتی پاک کند و اخلاق را نیکو گرداند. لذا دعای مکارم الاخلاق دعاست، اما درس است. صحیفه سجاده دعاست، اما درس است». (در دیدار کارکنان وزارت آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی و سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۷۲/۰۴/۲۳)

۵. راهبرد/کنش (تمایل به تغییر نگرش و رفتار در جامعه)

بیانگر رفتار و فعالیتها و تعاملات هدفداری اند که تبعات مقوله هسته ای و تحت تأثیر شرایط مداخله گر است. به این مقوله؛ طبقه راهبردی/تعاملی/کنشی نیز گفته می شود که در پژوهش حاضر مقولات فوق عبارتند از: راهبردهای فرهنگی - اعتقادی، راهبردهای شناختی - معرفتی، راهبردهای سیاسی، راهبردهای رفتاری - عملکردی.

یک مقوله راهبردهای فرهنگی - اعتقادی

مقوله راهبردهای فرهنگی - اعتقادی، ۱۰ ویژگی عمده دارد: ۱. آفت شناسی جامعه اسلامی، ۲. «ذکر» نقطه مقابل آفتها، ۳. تمسک به اسلام و قرآن و استمرار تأیید و حمایت الهی، ۴. معرفت و ایمان روشن بینانه و قدرت تحلیل سیاسی، ۵. عظمت یاد الهی در دل انسان و حقیر شدن لذتهای گوناگون، ۶. یاد خدا و توجه به ذکر و مناجات الهی، ۷. در مقابل تحریفات، شاخصها را عیان کردن، ۸. مواظبت و پرهیز از مُدگرایی اروپایی، ۹. اصلاح خود و الگوی مصرف جامعه و کشور، ۱۰. آموختن دین و سیاست از انسانهای امین و آگاه.

- **آفت شناسی جامعه اسلامی:** «اما امروز یک جامعه اسلامی هستیم. باید ببینیم آن جامعه اسلامی، چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید؟ چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام، در همان شهری که او حکومت می کرد، سرهای پسرانش را بر نیزه کردند و در آن شهر گرداندند؟!». (در دیدار فرماندهان گردانها و گروهانها در سالروز شهادت امام سجاد(ع)، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲)

نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها ۴۵۱

- اصلاح خود و الگوی مصرف جامعه و کشور: «باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بپوشیم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار می‌شود، این را کانه دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس‌بازی‌ای است که ما به آن دچار هستیم!». (در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

دو) راهبردهای شناختی - معرفتی

مقوله راهبردهای شناختی - معرفتی، شش ویژگی عمده دارد: ۱. شناخت امت اسلامی بر قدر و اهمیت و توان و ارزشهای خود، ۲. جامعه با معلومات، ۳. مقاوم در مقابل دشمن، ۴. تفسیر صحیح و امیدآفرین از حوادث، ۵. مبالغه نکردن درباره نیروی دشمن و مراقب کید او بودن، ۶. شناخت جریان نفاق.

- شناخت امت اسلامی بر قدر و اهمیت و توان و ارزشهای خود: «دشمن هست و دشمنی هم می‌کند و می‌خواهد به همه مناطقی که برای او سود مادی در آن هست، پنجه بیندازد؛ از همه ابزارها هم استفاده می‌کند. دشمن وجود دارد و یک واقعیت است. انتظار اینکه دشمنی نباشد یا اینکه دشمن، دشمنی نکند، غلط است. دشمن هست و دشمنی هم می‌کند و می‌خواهد به همه مناطقی که برای او سود مادی در آن هست، پنجه بیندازد؛ از همه ابزارها هم استفاده می‌کند. آنچه دشمن را مأیوس می‌کند، این است که امت اسلامی قدر و اهمیت و توان و ارزشهای خود را بشناسد و عظمت خود را - وقتی که میان او وحدت باشد - بفهمد و قدرت ایستادگی‌ای را که خدای متعال در او قرار داده است، قدر بداند». (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید میث، ۱۳۸۲/۰۷/۰۲)

سه) راهبردهای سیاسی

مقوله راهبردهای سیاسی، ۱۰ ویژگی عمده دارد: ۱. حفظ استحکام داخلی (در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷)، ۲. قدرتمند شدن در مقابل دشمن، ۳. مرزبندی روشن و شفاف با دشمنان متعرض، ۴. اتحاد مسلمین، ۵. یکپارچگی و وحدت در همه جهات (در دیدار با جمعی از علماء، ائمه جمعه و جماعات ولادت امام جعفر صادق(ع)، ۱۳۶۸/۰۷/۲۶)، ۶. آرامش در مواجهه با تلاطمات تصنعی، ۷. فرصت دانستن وجود تعدد اقوام ایرانی، ۸. اقتدار ملت و ایستادگی ملت، ۹. عدم عقب‌نشینی در میدان کشمکش با دشمن و ایستادگی در برابر آن، ۱۰. سست نشدن اراده ملت و اراده مسئولانش.

- مرزبندی روشن و شفاف با دشمنان متعرض: «اسلام به ما می‌گوید باید جامعه اسلامی با دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام می‌گوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد. اسلام می‌گوید فریب دشمن‌ها را نباید خورد. این، خط روشن امیرالمؤمنین است؛ امروز هم ما همین خط روشن را احتیاج داریم». (در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع)، ۱۳۸۹/۰۴/۰۵)

چهار) راهبردهای رفتاری - عملکردی

مقوله راهبردهای رفتاری - عملکردی، ۱۳ ویژگی عمده دارد: ۱. عدم تخطی از رضای خدا (در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۷۳/۰۶/۰۴)، ۲. کار و مجاهدت فی سبیل الله روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش فکر، ۳. دوری از کبر و خودبینی، ۴. دفاع از ارزشها، ۵. برنامه ریزی بلندمدت در قبال برنامه ریزی بلندمدت دشمن، ۶. حل کردن مشکلات با سرانگشت لیاقت و کفایت مسئولان مؤمن و مردمی، ۷. جبران عقب ماندگی های صدساله و دویست ساله، ۸. حق را با ایستادگی گرفتن، ۹. مقابله با میل به دیکتاتوری با چکش قانون و دین و تعبد، ۱۰. رعایت قانون، ۱۱. امر به معروف و نهی از منکر، ۱۲. انجام کار خوب و دقیق برای خدا، ۱۳. حساس ساختن مردم نسبت به مسئله هرج و مرج.

- کار و مجاهدت فی سبیل الله روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش فکر: «می خواهند نگذارند که روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش فکر، در محیطهای مختلف، در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط روستا، در محیط شهر، در محیط کارگاه کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه مقابل کار آنها، همین کار و مجاهدت فی سبیل الله شماس است که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گیرد: "لم یکن منافسه فی سلطان و لا التماس شیء من فضول الحطام"» (در دیدار علما و روحانیون و میلفان در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۸/۰۱/۲۳)

پیامد: برخی از مقولات بیانگر نتایج و پیامدهایی است که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می آیند. در این پژوهش، از دیدگاه مقام معظم رهبری پیامدهای جامعه اسلامی بر اساس دو محور اصلی بنا نهاده شده است؛ یعنی احیای فرهنگ ناب و خالص اسلامی، ایجاد جامعه نمونه زنده ماندن اسلام صورت می گیرد که هر یک دارای ابعاد متفاوتی اند.

«ما می توانیم فرهنگ ناب و خالص اسلامی را بر جامعه خود حاکم کنیم. ما می توانیم همان خطی را که امام ترسیم کرده اند، کاملاً و دقیقاً طی کنیم» (در مراسم بیعت حجه الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس و کلیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸/۰۳/۲۴). «دو چیز بایستی در کنار هم، روز به روز قوی تر در کشور تحقق پیدا کند: اول، حفظ آثار و شعایر و ظواهر و نمای اسلامی جامعه است. این، خیلی مهم است ... ظواهر اسلامی جامعه باید حفظ بشود. این جامعه، جامعه اسلامی نمونه است. زنان باید مواظب باشند. مردان باید مواظب باشند. کسانی که مأموریت دارند، بیشتر باید مواظب باشند. کسانی که در لباس انقلابند، مثل روحانیون و دیگر کسانی که لباسهای وابسته به انقلاب را دارند، بیشتر از دیگران باید مواظب باشند. همه آحاد جامعه باید سعی کنند که صورت جامعه را یک صورت اسلامی قرار بدهند. این، از لحاظ حرکت مردم در جهت روشن کردن چراغ اسلام در این مُلک» (در دیدار با خانواده های معظم شهدا و جانبازان شهر خوی، ۱۳۶۹/۰۳/۰۲)

و) نتیجه گیری

الگوی بومی مدل نظری ارائه شده، برگرفته از رهنمودهای مقام معظم رهبری، به خوبی علت شکل گیری جامعه اسلامی را تبیین می کند. بر اساس این الگو، مقوله های شناختی - معرفتی، اعتقادی، مجاهدت و تلاش جمعی، به عنوان شرایط علی درونی؛ استکبارستیزی به عنوان شرایط علی بیرونی که مانع شکل گیری جامعه اسلامی می شود؛ عوامل مدیریتی و رفتار خواص به عنوان شرایط مداخله گر؛ مقوله رابدهای فرهنگی - اعتقادی، رابدهای شناختی - معرفتی، رابدهای سیاسی و رابدهای رفتاری - عملکردی به عنوان رابدهای جامعه اسلامی می باشند که مقوله رابدهای فرهنگی - اعتقادی، ۱۰ ویژگی عمده دارد: ۱. آفت شناسی جامعه اسلامی، ۲. «ذکر» نقطه مقابل آنها، ۳. تمسک به اسلام و قرآن و استمرار تأیید و حمایت الهی، ۴. معرفت و ایمان روشن بینانه و قدرت تحلیل سیاسی، ۵. عظمت یاد الهی در دل انسان و حقیر شدن لذتهای گوناگون، ۶. یاد خدا و توجه به ذکر و مناجات الهی، ۷. در مقابل تحریفات، شاخصها را عیان کردن، ۸. مواظبت و پرهیز از مُدگرایی اروپایی، ۹. اصلاح خود والگوی مصرف جامعه و کشور، ۱۰. آموختن دین و سیاست از انسانهای امین و آگاه. مقوله رابدهای شناختی - معرفتی، شش ویژگی عمده دارد: ۱. شناخت امت اسلامی بر قدر و اهمیت و توان و ارزشهای خود، ۲. جامعه با معلومات، ۳. مقاوم در مقابل دشمن، ۴. تفسیر صحیح و امید آفرین از حوادث، ۵. مبالغه نکردن درباره نیروی دشمن و مراقب کید او بودن، ۶. شناخت جریان نفاق. مقوله رابدهای سیاسی، ۱۰ ویژگی عمده دارد: ۱. حفظ استحکام داخلی، ۲. قدرتمند شدن در مقابل دشمن، ۳. مرزبندی روشن و شفاف با دشمنان متعصّب، ۴. اتحاد مسلمین، ۵. یکپارچگی و وحدت در همه جهات، ۶. آرامش در مواجهه با تلاطمات تصنعی، ۷. فرصت دانستن وجود تعدد اقوام ایرانی، ۸. اقتدار و ایستادگی ملت، ۹. عدم عقب نشینی در میدان کشمکش با دشمن و ایستادگی در برابر آن، ۱۰. سُست نشدن اراده ملت و اراده مسئولانش. مقوله رابدهای رفتاری - عملکردی نیز ۱۵ ویژگی عمده دارد: ۱. عدم تخطی از رضای خدا، ۲. کار و مجاهدت فی سبیل الله روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش فکر، ۳. دوری از کبر و خودبینی، ۴. دفاع از ارزشها، ۵. برنامه ریزی بلندمدت در قبال برنامه ریزی بلندمدت دشمن، ۶. حل کردن مشکلات با سرانگشت لیاقت و کفایت مسئولان مؤمن مردمی، ۷. جبران عقب ماندگی های صدساله و دوپست ساله، ۸. حق را با ایستادگی گرفتن، ۹. مقابله با میل به دیکتاتوری با چکش قانون و دین و تعبد، ۱۰. رعایت قانون، ۱۱. امر به معروف و نهی از منکر، ۱۲. انجام کار خوب و دقیق برای خدا، ۱۳. حساس ساختن مردم نسبت به مسئله هرج و مرج.

مقوله هسته ای این بررسی، جامعه اسلامی است که مقولات عمده پیش گفته را در بر می گیرد. پیامد ایجاد جامعه اسلامی، احیای فرهنگ ناب و خالص اسلامی، ایجاد جامعه نمونه و زنده ماندن اسلام است.



منابع

- بیانات مقام معظم رهبری؛ برگرفته از سایت: www.khamenei.ir
- داوری، رضا (۱۳۴۴). فارابی مؤسس فلسفه اسلامی. تهران: علمی.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۳). «مصاحبه دربارهٔ نظریه انحطاط جامعه ایران». *روزنامه اعتماد*.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۵). «بیانیه ای درباره ایران؛ هفته نامه صدا»
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۴). اخلاق ناصری. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: خوارزمی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۱). سیاست تمدنی. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسن مهاجرنیا (۱۳۸۶). ماهنامه آموزشی-اطلاع رسانی معارف (شماره ۶۳)
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). تجربه نوسازی؛ نشر جامعه شناسان
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۵). مبدا و معاد. انتشارات دانشکده معقول.
- ملاتی، بیرکس و جین میلز (۱۳۹۳). تحقیق مبنایی. ترجمه دکتر اعرابی و بانثی. تهران: پژوهشهای فرهنگی.
- Davari, Raza (۱۹۶۵). **Farabi, Science Founder of Islamic Philosophy**. Tehran: Elmi Pub.
- Farabi, Abu Nasr (۱۹۹۲). **Society Politics**. Translated by Seyyed Jafar Sajjadi. Tehran: The Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Melanie, Birks & Jane Mills (۲۰۱۴). **Grounded Theory a Practical Guide**. Translation Aarabi and Banshee. Tehran: Cultural Research Publication.
- Mohammad Pour, Ahmad (۲۰۱۴). **Experience modernization**, publishing about sociologists
- Mulla Sadra, Muhammad Ibn Ibrahim (۱۹۸۶). **Made and Resurrection**. ...
- Tabatabaei, Seyed Javad (۲۰۱۴). "An Interview about the Decline of Theory in Iran". *Daily Etemad*.
- Tosi, Khaje Nasiredin (۱۹۸۵). **Ethics of Naseri**. Translation Menuvi. Tehran: Khwarizmi Pub.

